

دولت دوران اف

روزنامه نگار تاجیک

آته خان لطیفی در اداره «پراودا» (حقیقت)، روزنامه پرنفوذ اتحاد شوروی سابق، از روز اول جسورانه قدم گذاشت. روزنامه «پراودا» - نشریه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ساکنان مملکت را به ساختمان جامعه سوسیالیستی آماده نموده، مسایل رشد اقتصادیات، علم و تکنیک، مکتب و معارف، ادبیات و هنر، فرهنگ و دوستی خلقها را پیوسته منعکس می نمود و در بین خوانندگان بی شمار خارجی و داخلی کشور مقام ویژه داشت.

روزنامه در مسکو و ۴۶ شهر به تعداد بیش از ۱۲ میلیون نسخه نشر می شد. در صحیفه های «پراودا» پاره هایی از آثار استاد صدرالدین عینی، ابوالقاسم لاهوتی، باباجان غفوراف، میرزا تورسونزاده، ساتم الوغزاده، میرسعید میرشکر و دیگر ادیبان و عالمان معروف تاجیک، همچنین مقاله های متخصصان و پیشقدمان استحصالات از تاجیکستان چاپ می شدند. و هنگامی که آته خان لطیفی سال ۱۹۷۳ همچون خبرنگار ویژه «پراودا» در تاجیکستان به فعالیت آغاز نمود، وی به طفیل ملکه و مهارت و قابلیت و استعداد خداداد و حق جوئی و حق گوئی خویش توانست تاجیکستان و تاجیکستانیها را بیشتر و خوبتر از صحیفه های این روزنامه پرنفوذ شوروی به عالمیان بیشتر معرفی نماید. در هر سطر نگاشته او قسمت هزاران نفر آدمیان عکس می یافت.

آته‌خان لطیفی تا «پراودا» در بین خوانندگان صاحب احترام گردیده بود. وی سال ۱۹۶۳ دانشکدهٔ خبرنگاری دانشگاه دولتی لنین‌گراد (سنت پترزبورگ) روسیه را ختم نموده، اولاً در نشریات دولتی تاجیکستان- «عرفان»، بعداً در روزنامهٔ روسی تاجیکستان تحت عنوان «کامسامولتس تادژیکستان- Комсомолец Таджикистана» و روزنامهٔ «کامسامولسکایا پراودا- Комсомольская правда» مسکو ایفای وظیفه نموده، خود را چون روزنامه‌نگار صاحب‌استعداد معرفی کرد. مردم ثمرهٔ رنج و زحمت، بیدارخوابی‌ها، جستجوهای ایجادی او را با ذوق و شوق مطالعه کرده، دوست می‌داشتند. به طفیل عقل رسا، دانش خوب، ادراک دوراندیشانه‌اش در دل و دیدهٔ خوانندگان جای گرفت.

وی با نوشته‌هایش در حیات مقام پیدا کرد که دایرهٔ بررسی موضوع‌ها دامنه‌دار بود. وی چه در روزنامه‌های جوانان و چه روزنامهٔ «پراودا» بیشتر به مسایلی روی آورده است که آنها نه تنها دیروز بلکه امروز هم دارای اهمیت ویژه می‌باشند.

روزنامهٔ «پراودا» ۲۱ نوامبر سال ۱۹۸۸ مقالهٔ آته‌خان لطیفی را زیر عنوان «سربند» چاپ نموده است که در زیرعنوان آن آمده است: «هنگام بنیاد انشآت عظیم هیدروتکنیکی در کوهسار و بحر و بیابان را نیز نباید فراموش کرد» و بعد اندیشه‌های خویش را به طور ذیل ادامه می‌دهد:

«ما از سربندهای بلند نیروگاه‌های برقی و آبی کوهسارمان به وجد می‌آییم. نیروگاه برقی و آبی نارک و سربندی ۳۰۰ متری آن نه فقط رمز کشور گردیده، بلکه در تجربهٔ جهانی افزایش ذخیره‌های انرژی صحیفهٔ نو کشاد.

در بنیاد نیروگاه‌های برقی و آبی نوبتی قطارشرش‌ره‌های و خش در ساختمان

نیروگاه‌های برقی و آبی راغون لایحه کش‌ها نیت دارند که سربند باز هم بلندتر ۳۳۵ متری بنیاد کنند، ولی این زمان سربند خردکک آب‌انبار سرگزان خراب شد و فلاکت روی داد. مجرای آب ده‌ها خانه استقامتی، بناهای جمعیتی و خواجگی را خراب کرد. آدمان بسیاری هلاک شدند. عالمان و متخصصان از خصوص همه سربندها به تشویش و اضطراب آمدند. آنها از خصوص سربند راغون هم در پیش نظر عموم تشویش خود را بیان کردند.»

از انشای این مقاله چهاریک عصر سپری گردیده است، ولی هنوز هم آن معما و مشکلات که روزنامه‌نگار به قلم داده است بسا مهم است و در بنیاد سربندهای نو و نیروگاه‌های برقی و آبی به این مسئله باید توجه کرد.

در مقاله دیگرش «چشمه‌های وادی‌های گرم» که ۲۴ فوریه سال ۱۹۸۷ در «پراودا» چاپ شده است، لطیفی به معمای گلوبالی بحران اکولوژی در آسیای میانه و فاجعه بحر آرال روی آورده است. نابودشوی پیریخ‌ها را کسی پی نمی‌برد و یا اعتبار نمی‌داد، زیرا سطح آب رودها پست نمی‌شد. کسی اعتبار نمی‌داد که این رودها از حساب آبشوی برف و پیریخ‌ها پرآیند. در صحبت «میزگرد» که دفتر روزنامه «پراودا» در دوشنبه تشکیل داد، مسایل زیادی مورد بحث و بررسی قرار گرفت که کم‌زمینی و خصوصیت‌های دموگرافی جمهوری از توجه شرکت‌کنندگان دور نماند. افزایش پرسرعت اهالی و مشکلات زندگی مردم در مناطق کوهستان و ریشه‌کن نمودن درختان جنگل باعث از حد زیاد گرم شدن کوهستان و آبشوی برف و پیریخ‌ها می‌گردید. چه باید کرد که این معما و مشکلات پیشگیری شود؟

چنین طرز گزارش مسئله در زمان حاکمیت شوروی آسان نبود. راهبران وقت حکومت شوروی از منبرهای بلند سازمان‌های بین‌المللی اعلام می‌داشتند که

در کشور هیچ گونه مشکلات و معما وجود ندارد.

از جانب دیگر بررسی این گونه موضوع از روزنامه‌نگار دانش مکمل، جهان‌بینی وسیع را تقاضا می‌کرد که هم کسب و هم کار او روزنامه‌نگار معروف روس والری آگرانفسکی به مجله «ژورنالیست» نوشته بود: «در نگاشته‌های لطیفی بیش از همه احساسات بلند آینده‌بینی، گزارش مسئله و موقع اجتماعی او بسا نظرس است».

درواقع در مقاله‌های این روزنامه‌نگار برکمال تاجیک، ما پیش از همه اعتقاد و احساسات، مسئولیت و مسئولیت‌شناسی بلند انسانی را پی می‌بریم. وی پیوسته کوشیده است که سخنش تأثیربخش، ارقام و دلیل‌هایش نشان‌رس باشند، که هم خواننده به ماهیت مسئله سرفهم رود و هم راهبران در حل آنها چاره‌جویی کنند. از جمله در مقاله‌اش: «شهر به بالا باید قد کشد» («پراودا»، ۳ فوریه ۱۹۷۶)، اگر سخن از مشکلات کم‌زمینی تاجیکستان و مناسبت غم‌خوارانه و دوراندیشانه به این گنج نایاب رود، در مقاله «فکر معمار چه گونه؟» («پراودا»، ۱۲ آوریل سال ۱۹۷۹) مسئله سنت‌های دیرینه شهرسازی و شهرداری در تاجیکستان به میان گذاشته شده است. آته‌خان لطیفی در مقاله‌هایش به واقعات تاریخی زیاد رو می‌آورد. اکثر وقت او به واسطه لوحه‌ها از گذشته خلق و کشور واقعیت روز را بیان می‌سازد یا ضمن تحلیل گذشته را با زمان معاصر قیاس می‌نماید.

مقاله دیگر او «روستا در دوشنبه» («پراودا»، ۲۹ اوت سال ۱۹۸۹) نام دارد. مؤلف می‌نویسد: «این سطرها را نوشته از شرم رویم دود می‌گیرد. همه آن چیزی را که حالا نقل می‌کنم، پیش از این هم دیده بودم، ولی چنان که حاضر هست، الم‌آور نبود. وقت‌هایی می‌شد که به وجد آمده شهر خود را وصف هم می‌کردم. البته چیز به

تعریف و توصیف می‌ارزیدگی دارد، ولی ... خود همین «ولی را» پی نبردن عفون‌ناپذیر است، زیرا خود من هم چندی پیش در همین گونه کلبه‌ها زندگی به سر می‌بردم. مرا به حیات واقعی؛ نامزد آینده علمهای فلسفه ولادیمیر کورولیوف (Владимир Королев) برگرداند. خواهش نمود به خانه‌ای که حالا وی استقامت دارد، مهمان شوم. از دفتر کار «پراودا» تا منزل وی همگی چند دقیقه راه. من در خانه و کورولیوف و همسایه‌هایش مهمان شده به روستایی سفر کردم که واقع در مرکز جمهوری است. در دهات، هوا صاف؛ در جویبار آب مصفا جاری است. در اینجا آبها افلاس و بوی غلیظ به مشام می‌رسد. در مسافت نه چندان دور از آرچه‌زار همیشه‌بهار اطراف کمیته حزبی ناحیه راه آهن، مزرع پُرپشه در روی باقیمانده‌های خورا‌کواری، پرتاو سبزوات و میوه‌جات واقع است. به بسیار روستاهای شهر درآمدن هم کار چندان آسان نیست. در روزهای بارش موزه‌های لاستیکی لازمند. در کوچه‌ها تنها در عرفة انتخابات نوبتی، موم و سنگ‌ریزه پیدا می‌شود».

روزنامه‌نگار جسورانه کمبودی‌ها را آشکار ساخته از آوردن نام و نسب اشخاص منصبدار، اداره و تشکیلات‌های قدرتی به هراس نمی‌آید. مقاله چنین ادامه می‌یابد: «موافق برنامه عمومی در مرکز شهر باید محله «نمونوی» بنیاد می‌گردید. ولی به جای منزلگاه‌ها در اینجا بناهای مأموری مدافعه گراژدانی (شهروندی)، وزارت نقلیات اتوموبیلی، قامت افراختند و بنای محتشم و سیرآشیانه آمار جمهوری باسرعت بنیاد می‌گردد».

روزنامه‌نگار این منظره نامقبول را روی کاغذ آورده از نام گرفتن شخصان علی‌حده تا مسئولین کمیته مرکزی حزب کمونیست تاجیکستان که سبب‌گار رخ دادن چنین مشکلات گردیده‌اند، نهراسیده است. مقاله‌های دیگر او «گفتگوی

آشکارا» (۱۹۸۰/۸/۱۰)، «ارزش رکورد (рекорд)» («پراودا»، ۱۹۸۳/۳/۱۴)، «سخن از دل برآید» (۱۹۸۳/۱۲/۱۱)، «کارگران را باید آماده کرد» (۱۹۸۴/۶/۲۰)، «گهواره شراره» (۱۹۸۵/۹/۱۴) و... از جسارت کسبی، جهان‌بینی وسیع و دلسوزی آت‌خان لطیفی نسبت خلق و کشورش گواهی می‌دهد.

باعث افتخار است که آت‌خان لطیفی چون یک تن از فرزندان فرزانه ملت در حل و فصل معما و مشکلات حیات اجتماعی تاجیکان در زمان سکوت و بازسازی شوروی خدمت سزاواری کرده است. می‌سزد که روزنامه‌نگاران جوان از تجربهٔ ایجاد او بهره بردارند و در بررسی مسایل مبرم و مهم جامعهٔ نوین تاجیکان فعال باشند.